

بررسی رفتارهای تخریبی دانش‌آموزان در شهر تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۰

مسعود گلچین^۱، معصوم آفازاده^{۲*}

چکیده

بررسی رفتارهای تخریبی دانش‌آموزان در شهر تهران موضوع اصلی این مقاله می‌باشد. وندالیسم به عنوان یک پدیده اجتماعی است که در آن، فرد وندال و یا خرابکار، به صورت ارادی به تخریب اموال عمومی می‌پردازد و تبعات زیانباری را موجب می‌شود. هدف اصلی مقاله، شناخت برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر اقدام به رفتارهای تخریبی در میان دانش‌آموزان می‌باشد. برای تحقق هدف فوق سعی گردید با مطالعه نظریه‌های موجود به تلفیق تئوریک دست یافته که در مقاله حاضر در راستای این مهم، مسئله پژوهش در پرتو نظریه‌های کنترل اجتماعی هیرشی، آنومی مرتون و نظریه بیگانگی سیمن، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی، مورد تحلیل و مذاقه قرار گرفته است. این پژوهش، در میان ۴۰۷ نفر از دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه انجام شده است. گردآوری اطلاعات نیز از طریق پرسشنامه خودگزارشی و ساختمان صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که میزان ارتکاب ۱۵,۷ درصد از دانش‌آموزان به رفتارهای تخریبی در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است. متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر، توانسته‌اند ۲۴ درصد از واریانس رفتارهای تخریبی را تبیین کنند. اثر مستقیم دو متغیر مهم پژوهش یعنی کنترل اجتماعی و احساس بیگانگی بر روی رفتارهای تخریبی به ترتیب به میزان ۰,۳۰- و ۰,۳۱ درصد می‌باشد.

واژگان کلیدی: وندالیسم، کنترل اجتماعی، احساس بیگانگی، ناکامی و پرستیژ اجتماعی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

۲. *نویسنده مسئول، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و عضو هیئت علمی جهاددانشگاهی - ایسپا
m.aghazadeh59@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

تغییرات سنی و ارگانیک در دوره نوجوانی فرد و به دنبال آن نوجوانی و نوگرایی، که هیجان خاصی بر رفتار او غالب می‌شود، ممکن است ظرفیت ناهم‌نوایی فرد را بالا ببرد. بر همین اساس، رفتارهای انحرافی و بزهکارانه (ضداجتماعی) فرد، بیشتر در دوران بلوغ، نوجوانی و جوانی، سر می‌زند و ممکن است تشدید شود؛ چرا که این دوره چند ساله، از دوره‌های بسیار حساس و نوعاً مشکل‌ساز در طول زندگی افراد است و برهه‌ای که افراد بویژه نوجوانان در آن زندگی می‌کنند، بحرانی‌ترین مرحله زندگی آنهاست که سعادت و شقاوت زندگی آنان را در آینده دامن می‌زند. در جامعه ما نیز همچون سایر جوامع، در میان این قشر، افرادی پیدا می‌شوند که به دلایل مختلفی، یا فراتر از قوانین و هنجارهای جامعه گذاشته و به نحوی از انحاء، امنیت جامعه را برهم زده و ضررهای اقتصادی و اجتماعی را به سوی جامعه معطوف می‌دارند.

بزهکاری نوجوانان در گونه‌ها و صور مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمایان می‌شود که در این مقاله به صورت اقتصادی بزهکاری نوجوانان که در عرصه بزه بر ضد اموال عمومی جلوه می‌کند، پرداخته می‌شود که ممکن است ناشی از علل اجتماعی و روانشناختی و ... باشد. از این نوع رفتار بزهکارانه در ادبیات جامعه‌شناسی انحرافات، تحت عنوان پدیده «وندالیسم»^۱ به عنوان یکی از اشکال جدید بزهکاری در میان نوجوانان در چند دهه اخیر، یاد می‌شود.

در دو حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی تعاریف زیادی از وندالیسم ارائه شده است. با این وجود، عناصر مشترکی را می‌توان در آنها پیدا کرد. موزر^۲ وندالیسم را عمل آگاهانه و ارادی به قصد صدمه زدن یا تخریب کردن چیزی که متعلق به شخص دیگری باشد، تعریف می‌کند. (Horowitz & Tobaly, 2003). ژانورن آن را نوعی روحیه بیمارگونه تعریف می‌کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن‌های عمومی، صندلی اتوبوسهای شهری، مترو و ترن‌های مسافربری و باجه‌های پست و تلگراف و نظایر آن تمایل دارد. میسر و کلینارد^۳ آن را تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورت مداوم و مکرر می‌دانند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲-۲۱). «کلیه رفتارهای

-
1. Vandalism
 2. Moser
 3. Meier & Clinard

بزهکارانه‌ای که به منظور تخریب آگاهانه و ارادی اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می‌گیرد» (همان، ۲۲).

در همه جوامع وندالیسم در مورد افرادی به کار می‌رود که به تخریب اموال عمومی در شکل‌های مختلف آن دست می‌زنند. از این رو موضوعات مختلفی بر اساس شواهد موجود در جهان و کشور ما در معرض حمله و تخریب عمدی وندالها قرار دارند. در این میان، مدارس، وسایل حمل و نقل عمومی، ورزشگاهها، پارکها، خوابگاهها بیشترین خسارتها را در حمله وندالها به خود می‌بینند و این خسارتها از طرف وندالها، نسبت به چند دهه پیش یک روند صعودی داشته است را نشان می‌دهد.

در کشور آمریکا، در بررسی ۸۴ هزار مدرسه، تبعات مالی ناشی از وندالیسم در طول ۲۵ سال گذشته، ۶۰۰ میلیون دلار هزینه برداشته است (Goldstein, 1997: 291).

این مسأله در ایران نیز انکارناپذیر است. در تحقیقی که در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ بر روی ۳۶۰ نفر از برخی پسران ۸ تا ۱۶ ساله ساکن مناطق حاشیه خطوط راه آهن در جنوب شهر تهران (مناطق ۱۶، ۱۷ و ۱۸) انجام شده بود، ۲۰۳ نفر (۵۶٪) آنها از افراد وندال بودند (رضانی، ۱۳۷۴). داوری عهد در یک تحقیقی در قم بر روی ۲۵۰ نفر از دختران و پسران دبیرستانی که در سن ۱۹-۱۴ سالگی قرار داشتند، به این نتیجه رسیده است که ۲۸٪ دانش‌آموزان تخریب‌گر، ۲۴/۴ درصد تا حدی تخریب‌گر و ۴۷/۶ درصد آنها غیرتخریب‌گر بودند (داوری عهد، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب، اگر به جوانب گوناگون آثار و عوارض این پدیده، از آسیب‌های گوناگون مادی به امکانات و اموال عمومی گرفته تا هموار کردن زمینه‌های مختلف انحرافات شخصی و اجتماعی در افراد مرتکب این اعمال، جریحه‌دار کردن روحیات اجتماعی و فردی، اختلال در نظم عمومی، نظری داشته باشیم؛ بسادگی واضح است که تخریب اموال عمومی یک مسئله اجتماعی است. با عطف به این مهم، سؤال تحقیق این است که میزان رفتارهای تخریبی در بین دانش‌آموزان چقدر و تابع چه عواملی است؟

از آنجا که دوران نوجوانی از دوران حیات هر فرد تلقی می‌گردد و این دوران نقش عمده‌ای را در زندگی فرد ایفا می‌کند؛ لذا مرتکب شدن چنین اعمالی، در این دوران می‌تواند زمینه‌گرایش فرد به دیگر رفتارهای بزهکارانه را فراهم سازد و این مهم برای جامعه‌ای که ساختار جمعیتی آن جوان است، خوشایند نمی‌باشد. بررسی این مسأله با توجه به پیامدهای

مالی آن در مدارس از یک طرف و ترکیب سنی آنها نیز حائز اهمیت است. بر همین اساس، اجرای چنین پژوهش‌هایی جهت موشکافی مسائل کنشگران محصل در محیط مدرسه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله، اهداف مقاله‌ی حاضر به شرح ذیل می‌باشد.

- بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای تخریبی دانش‌آموزان
- بررسی میزان رفتارهای تخریبی در بین دانش‌آموزان

پیشینه تجربی

تحقیقات اولیه در باره خشونت مدرسه‌ای و وندالیسم مدرسه‌ای از اواسط ۱۹۷۰ شروع شده است (U.S. Department of Health, Education and Welfare, 1978) به نقل از (Horowitz, Tamar & Tobaly, 2003).

لونس‌تین در تحقیقی تحت عنوان «وندالیسم در مدارس» که روی ۶۷۵ نفر از دانش‌آموزان مدارس انگلستان و آمریکا با تکنیک پرسشنامه انجام داده است، نتیجه گرفته که: میزان بالای رفتارهای ضد اجتماعی در بین دانش‌آموزانی که در «دار و دسته‌های بزهکاری» عضویت داشته‌اند، بیشتر از کسانی است که عضو چنین باندهایی نبوده‌اند. ساخت خانواده یعنی اینکه آیا همه اعضای خانواده خصوصاً والدین نقشهای خود را در خانواده به نحو مطلوب انجام دهند و یا اینکه خانواده‌های از هم گسیخته و نابسامان^۱ (در اثر طلاق، مرگ یکی از والدین، مسافرت و...) هستند، با میزان انجام اعمال بزهکارانه ارتباط معنی‌داری دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داده است که عدم وجود پدر در خانواده با وجود ناپدیری در خانواده، بیش از عدم وجود مادر، در میزان بزهکاری و خرابکاری فرزندان مؤثر است (lowenstein, 1986).

تایگرت^۲ پژوهش جامعی را نسبت به سایر محققان تحت عنوان «وندالیسم مدارس عمومی یا دولتی: به سوی یک سنتز یا تلفیقی از نظریه‌ها و انتقال به تحلیل پارادایمی» انجام داده است. این موضوع با یک نمونه از دانش‌آموزان در سطح تحصیلی ۱۲-۷ [اول راهنمایی تا سوم دبیرستان] مورد بررسی واقع شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۳۹ درصد از افراد مورد

1. break down home
2. Clarence Tygart

مطالعه در انجام رفتارهای تخریبی شرکت و ۶۱ درصد شرکت نمی‌کردند. ۳۱ درصد از کل دانش‌آموزان نمونه حداقل یک کلاس در سطح پایین داشته و ۵۱ درصد از دانش‌آموزانی که بیشترین رفتارهای تخریبی را انجام می‌دادند همه کلاسهایشان در سطح پایین بوده است. بررسی وندالهای دوره دبیرستان مشخص می‌کند که ۹۴ درصد از آنها، در دوره راهنمایی نیز عملکرد آموزشی ضعیفی داشتند. بالاترین میزان رفتارهای وندالی مربوط به دانش‌آموزان کلاس هفتم و هرچه سطح تحصیلات بالا می‌رود، میزان وندالیسم پایین می‌آید. درصد اعمال تخریبی از کلاس ۷ تا ۱۲ به ترتیب، ۳۴، ۲۹، ۱۶، ۱۰، ۷ و ۴ درصد بوده است (Tygart, 1988).

توابیه و الروفو پژوهشی را تحت عنوان «وندالیسم در مدارس پسرانه اردن» در سال ۲۰۱۰ انجام داده‌اند. این مطالعه با هدف بررسی اشکال و علل خرابکاری در مدارس پسرانه در اردن انجام شده است. به منظور دستیابی به اهداف مطالعه، محققان ابزاری را توسعه دادند. شیوه‌ای که در آن نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متشکل از ۲۳۷ نفر از دانش‌آموزان (۸,۴ درصد از جمعیت دانش‌آموزان شهر الطفيله) به کار رفته است. بر طبق یافته‌های این مطالعه، دانش‌آموزان اشکال مختلفی از خرابکاری و علل متفاوتی را در انجام رفتارهای وندالیستی نشان دادند. مهمترین اشکال خرابکاری مربوط به نوشتن روی در و دیوار، نوشتن روی صندلی و شکستن صندلی و مهمترین دلایل خرابکاری، تشویق کم دانش‌آموزان منظم، کمبود فعالیت‌های اوقات فراغت و سرگرمی، برنامه‌های خسته‌کننده مدرسه، تعلق پایین به مدرسه، مشارکت پایین دانش‌آموزان در مدرسه و ... بودند که محققان این پژوهش، این اشکال و عوامل را به چهار عامل اصلی طبقه‌بندی کرده‌اند: مهارت‌های ارتباطی و عوامل انسانی، عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی و عوامل مربوط به محیط مدرسه. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میزان خرابکاری دانش‌آموزان دوم دبیرستان در قیاس با سایر دانش‌آموزان سوم راهنمایی وجود دارد (Thawabieh & Al-rofo, 2010).

ویسینگ و همکارانش در پژوهشی که با عنوان «مطالعه چندسطحی در خصوص جهتگیری و روابط اخلاقی در مدرسه و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان» انجام داده‌اند؛ مطالعه چند سطحی روابط بین عوامل آب و هوایی اخلاقی و نفع اجتماعی و همچنین رفتارهای ضد اجتماعی در داخل و خارج از مدرسه (سوء رفتار در مدرسه، رفتار بزهکار، و خرابکاری) را مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ۶۷۰ دانش‌آموز از ۶۹ کلاس نشان

داد که متغیرهای پایه تحصیلی تأثیر قابل توجهی بر سوء رفتار در مدرسه بین دانش‌آموزان ۱۲ تا ۲۰ ساله دارد. همچنین متغیرهای مربوط به ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم بویژه جهت‌گیری اخلاقی دانش‌آموزان معنی‌دار بود. یافته جدید پژوهش، این بود که رابطه خوب معلم و دانش‌آموز نه تنها باعث کاهش سوء رفتار در داخل مدرسه می‌شود بلکه کاهش رفتارهای بزهکاری و خرابکاری در خارج از مدرسه نیز می‌شود. بنابراین معلم، به عنوان یک عامل مهم اجتماعی برای رفتار نوجوانان به طور کلی تلقی می‌شود (Wissink & etal, 2014).

در مروری بر مطالعات صورت گرفته در داخل کشور، تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر خرابکاری اموال عمومی بوسیله دانش‌آموزان شهر تهران» در سال ۱۳۸۰ توسط احمد جمشیدی انجام شده است. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق مدارس مقطع راهنمایی و اول دبیرستان دولتی بوده است. پژوهشگر با استفاده از نظریه‌های خرده فرهنگی، کنترل اجتماعی و کنترل قدرت به این نتایج رسیده است؛ از میان متغیرهای جمعیت‌شناسی بعد خانوار، وضعیت تحصیلی و جنسیت رابطه معنی‌دار و محل سکونت و دوره تحصیلی و سن رابطه غیر معنی‌داری با متغیر وابسته داشته است. پایگاه اجتماعی به طور غیر مستقیم رابطه معنی‌داری با رفتار خرابکارانه داشته است. کنترل کم والدین موجب بالا رفتن ریسک در بین آنها و این از مهمترین عوامل در ارتکاب فعالیت‌های خرابکارانه بوده است. عدم تعلق به باورها و قواعد جمعی و در نهایت شکل‌گیری شخصیت ضداجتماعی از دیگر عوامل خرابکاری در این تحقیق بوده است که این دو عامل از کل ۳۰ درصد واریانس تبیین شده، ۲۴ درصد از رفتار تخریبی را تبیین کردند (جمشیدی، ۱۳۸۰).

تحقیق دیگری در رابطه با این موضوع توسط محمود داوری عهد تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر تخریب اموال عمومی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان قم» در سال ۱۳۸۳ با استفاده از دو نظریه خرده فرهنگی بزهکاری و کنترل اجتماعی، بر روی ۲۵۰ نفر از دختران و پسران دبیرستانی که در سن ۱۴-۱۹ سالگی قرار داشتند و از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بوده‌اند، انجام شده است. پژوهشگر نتیجه گرفته است که ۲۸ درصد دانش‌آموزان تخریب‌گر، ۲۴/۴ درصد تاحدی تخریب‌گر و ۴۷/۶ درصد آنها غیر تخریب‌گر بودند. از بین متغیرهای جمعیت‌شناسی، جنسیت

ارتباط معنی‌داری با رفتار تخریب‌گرایانه داشته اما متغیرهایی چون بعد خانوار، محل تولد و ساخت خانواده رابطه معنی‌داری نداشته است. متغیرهایی چون وضعیت تحصیلی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه معنی‌داری با رفتار تخریبی داشته است. تعلق دانش‌آموزان به خانواده، مدرسه و جامعه و مشارکت فعال در آنها، بشدت از فعالیت‌های تخریبی آنها می‌کاهد (داوری عهد، ۱۳۸۳).

آخرین تحقیق در این مورد تحت عنوان «بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم» در سال ۱۳۸۵ بر روی ۳۸۴ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر با استفاده از روش پیمایشی انجام گردیده است. متغیرهای مورد بررسی عبارت بودند از جنس، موفقیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، احساس از خود بیگانگی (احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری، احساس تنفر از خویشتن) و احساس محرومیت نسبی.

نتایج تحقیق نشان داد که پسران بیشتر از دختران رفتارهای تخریبی را انجام می‌دادند، سایر متغیرها نیز رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته داشتند. نکته قابل توجه اینکه، همبستگی این متغیرها با گرایش به وندالیسم به ترتیب بیشتر از همبستگی آنها با عمل تخریبی و فرافکنی بوده است. شش متغیر احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری، احساس تنفر از خویشتن و احساس محرومیت نسبی که وارد تحلیل رگرسیون شدند، ۴۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کرده‌اند. در پایان پژوهشگر یادآور شده است که نتایج تحقیق نشان‌دهنده توانمندی نظریه‌های مرتون، کوهن، سیمن و نظریات روانشناسی اجتماعی برای تبیین وندالیسم می‌باشد (قائم‌فر، ۱۳۸۶).

چهار چوب نظری

در واکاوی نظری موضوع وندالیسم، بعد از مرور نظریه‌های مربوط به انحرافات در پارادایم‌های مختلف جامعه‌شناسی، سعی گردید از نظریه‌هایی که قابلیت مطالعه تجربی را دارند استفاده شود.

در کاوش دیدگاه‌های پیروان مکتب فونکسیونالیسم، نظریه آنومی مرتون مورد بحث قرار می‌گیرد. وی کج‌رفتاری را انطباق نرمال با محیط اجتماعی خودگرای در نظر می‌گیرد و مسأله

ارتباط آن را با ابعاد بیولوژیکی [اثبات گرایان] و فقدان کنترل اجتماعی [نظریه دورکیم] در نظر نمی‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۵). مرتون به دنبال اثبات این فرض است که ساخت اجتماعی فشارهایی را بر افراد وارد می‌آورد که هدفش هم‌نوا ساختن افراد با ساخت جامعه است. اما این فشار بیش از آنکه در جهت هم‌نوايي رفتارها عمل کند، در جهت ناهم‌نوايي است و چنانچه، افراد و گروه‌ها را در چنین شرایطی قرار دهیم، باید منتظر بروز میزان‌های بالایی از رفتار انحرافی باشیم و این امر نه به خاطر تمایلات غریزی بلکه پاسخ طبیعی انسان‌ها به شرایط اجتماعی است (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۸). به نظر مرتون، در یک جامعه منظم [که] اهداف و ابزار یا شیوه‌ها در هماهنگی و یگانگی و تطابق به سر می‌برند؛ هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق، زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و یا ابزار یا شیوه‌های دستیابی به هدف قرار گیرد. به نظر او در جامعه آمریکایی تأکیدی بیش از حد بر اهداف دیده می‌شود و لزوم توجه به شیوه‌های نهادی شده برای دستیابی به هدف به دست فراموشی سپرده شده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶-۶۵). مرتون معتقد است، این طبقه‌بندی به نقش رفتار در انواع شرایط ویژه و نه بطور فردی اشاره دارد آنها واکنش‌هایی هستند که ممکن است بیشتر یا کمتر دوام داشته باشد، آن‌ها انواعی از سازماندهی فردی نیستند (Merton 1968: 194)

در ارتباط با موضوع وندالیسم، مرتون معتقد است جوانانی که با پیروی از هدفهای پذیرفته شده فرهنگی نمی‌توانند از طریق وسایل پذیرفته شده اجتماعی به هدفهای خود برسند، ناکام می‌شوند و اغلب شیوه انطباقی انحرافی را پیش می‌گیرند. «وقتی دانش‌آموزی خود را مخالف با نظام مدرسه می‌بیند و برچسب «خرابکار» می‌خورد و نمی‌تواند از طریق معیارهای پذیرفته شده به موفقیت برسد؛ به ناچار ناکام می‌شود. این ناکامی ممکن است با فرار از مدرسه، وندالیسم و انتقام‌گیری از معلمان و دیگر دانش‌آموزان همراه گردد» (Bynum & William, 1999: 322)، به نقل از ستوده، همان، ۱۳۹). بنابراین اگر فرد در زیر ساختهای جامعه چون خانواده و مدرسه شکاف بین اهداف پذیرفته شده و شیوه‌های مقبول برای رسیدن به آن اهداف، فشار عظیمی را متوجه شوند، احساس ناکامی به آنها دست داده و به ناچار به رفتارهای بزهکارانه از جمله تخریب اموال و وندالیسم در محیط‌های مختلف رو می‌آورند.

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۱ و دیگران

هیرشی، رکلس^۲، فرایدی^۳ و هیگ^۴ به عنوان پیشگامان نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نظریات دورکیم بخصوص و با الهام از تئوری آنومی وی به ابداع این تئوری پرداخته‌اند. این تئوری بر این فرض استوار است که کجروی ناشی از ضعف تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی بوجود می‌آید.

هیرشی معتقد است اجزا تعلق به جامعه شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- ارتباط با سایر افراد. ۲- پذیرش و مشارکت در نقشها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد. ۳- اعتقاد به ارزشهای اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن. او معتقد است کیفیت هر کدام از موارد فوق، در هر مورد خاص می‌تواند موجب هم‌نوایی و نیز علت ناهم‌نوایی و کجروی باشد. بر طبق این نظریه، نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه باشد. هر گاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد منحرف شناخته می‌شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند:

تعلق و وابستگی^۵: در تبیین رفتار انطباقی، جامعه‌شناسان بر حساسیت برای نظر دیگران تاکید کرده‌اند. آنها متمایل بودند که پیشنهاد کنند مردم نسبت به عقاید دیگران حساسیت دارند و بنابراین، حساسیت را در تبیین‌هایشان از رفتار انحرافی وارد می‌کردند. دورکیم سال‌ها پیش گفته بود که ما موجودات اخلاقی هستیم تا این که موجوداتی اجتماعی باشیم. این ممکن است چنین تفسیر و معنی شود که ما تا اندازه‌ای موجوداتی اخلاقی هستیم که هنجارهای یک جامعه را درونی کرده باشیم. اما مفهوم درونی ساختن هنجارها چیست؟ هنجارهای جامعه، تعریف مشترک اعضای جامعه است. بنابراین، هنجارشکنی برعکس خواسته‌ها و انتظارات دیگر افراد است. اگر یک شخص توجهی به خواسته‌ها و انتظارات مردم نداشته باشد و به عقاید دیگران حساس نباشد، آن شخص تا اندازه‌ای نسبت به هنجارها پیوند ندارد؛ بنابراین،

-
1. Travis Hirschi
 2. Reckless
 3. Friday
 4. Hage
 5. attachment

او خود را برای انحراف آزاد می‌بیند (Hirschi, 1974: 16-19). می‌توان این نکته را اضافه کرد که نتیجتاً کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدینشان پیوند می‌خورد (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱).

التزام: عده‌قلیلی انکار می‌کنند که مردم در فرصت‌ها به خاطر ترس از پیامد قانون‌شکنی، از قوانین بسادگی پیروی می‌کنند. این رفتار عقلانی انطباق، را برچسب التزام می‌نامیم. این ایده چنین است که فردی که زمان و انرژی خودش را برای یک فعالیت مشخص مانند تحصیل کردن، درست کردن یک شغل و به دست آوردن آبرو و شهرت، صرف می‌کند؛ هر زمانی که او متوجه رفتار بزهکاری شود، می‌بایست به هزینه‌های این رفتار انحرافی توجه کند. در این جا خطر از دست دادن هر آن چه به دست آورده، او را مجبور می‌کند که کج رفتاری نکند. اگر وابستگی معادل جامعه‌شناختی مفاهیم فراخود یا وجدان باشد، التزام نیز معادل جامعه‌شناسی مفهوم خود است. مفهوم التزام بیان می‌کند که سازمان جامعه به مانند منافع اکثر مردم است که با کنش مجرمانه در معرض خطر قرار می‌گیرد (Hirschi, 1974: 20-21). بدین سان فردی که به فعالیت‌های زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود بدست آورده، کج رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۲-۱۲۱).

مشغولیت یا درگیری^۲: به نظر هیرشی، زمان و انرژی ذاتاً محدود هستند. درگیری در فعالیت‌های روزمره بخشی از تئوری کنترل است. بنابراین، شخصی که درگیر فعالیت‌های روزمره است، بندرت فرصت کنش انحرافی پیدا می‌کند. او حتی نمی‌تواند در مورد کنش انحرافی فکر کند. بنابراین، فراهم کردن تسهیلات در برنامه‌ها، بزهکاری را کاهش می‌دهد (Hirschi, 1974: 21-22). بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند، در حالی که کسی که کار می‌کند خانواده‌ای تشکیل داده و سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم را ندارد. به همین دلیل، بیشتر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش سال‌های

1. commitment

2. Involvement

تحصیلی، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کج‌رفتاری در میان نوجوانان می‌گردد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

ایمان- عقیده^۱: هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای همنا و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد (همان، ۱۲۲).

بنابراین، بر اساس دیدگاه هیرشی، بزهکاری جوانان که وندالیسم شاخه‌ای از آن است، معلول کاهش و یا فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. به زعم او زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف گردد، یکپارچگی اجتماعی متقابلاً دستخوش زوال و نقصان گردیده که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن، توانایی پیشگیری مؤثر از بزهکاری نقصان یافته و احتمال بروز کج‌رفتاری افزایش می‌یابد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۱).

نظریه ملوین سیمن

سیمن کوشیده ضمن ارائه تعریفی مفهومی از بیگانگی و مشخص نمودن تیپولوژی آلیناسیون، صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع قابل تمیز که به نظر وی متداول‌ترین صور کاربرد مفهومی واژه در ادبیات جامعه‌شناسی و روانشناسی است نشان دهد.

احساس بی‌قدرتی^۲: عبارت از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که بر اساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست.

احساس بی‌معنایی^۳: وقتی که فرد در عقیده دچار ابهام و شک است، یعنی نمی‌داند که به چه اعتقاد داشته باشد. در تصمیم‌گیریها عقیده خود را با استانداردهای موجود در جامعه خویش نمی‌تواند تطبیق دهد.

-
1. belief
 2. Powerlessness
 3. Meaninglessness

احساس نابهنجاری^۱: وضعیتی فکری و ذهنی که در آن این احتمال را بحد مفروضی بر خود مفروض و متصور است که تنها کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند.

احساس انزوای اجتماعی^۲: واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق به ارزشهای مرسوم در جامعه را احساس می‌کند. در این حالت فرد همچنین دارای اعتقاد و باوری نازلی نسبت به مکانیسم ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آنچه که از نظر جامعه ارزشمند است خود را همسو نمی‌بیند (همان، ۱۳۸۳: ۵۱-۱۴۸).

احساس تنفر یا تنفر از خویشان^۳: این مفهوم در نظر سیمن معطوف به اعمالی است که در آن هیچگونه پاداش و اجر معنوی و مادی توسط فرد احساس نمی‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۵).

سیمن با استعانت از مفهوم بیگانگی، کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن را مسئول ایجاد شرایطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند. در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت آمیز در مقابل جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

در انتخاب چارچوب نظری، چند معیار از جمله «مسئله‌محور بودن»، «پاسخ به سؤال پژوهش»، «تلفیق نظری» و ... مد نظر قرار گرفت. بنابراین امروزه در تحقیقات اجتماعی، برای رسیدن به یافته‌های جدیدتر و تبیین بیشتر، معمولاً بیش از دو نظریه، حتی گاهی به صورت بین رشته‌ای نیز، استفاده می‌شود. در تدوین چهارچوب تئوریک این پژوهش نیز سعی شده است با استفاده از سه نظریه مشروح به بررسی تجربی پدیده وندالیسم پرداخته شود.

این نکته را باید متذکر شد که گر چه پارادایم غالب در پژوهش انجام شده، کارکردگرایی است اما از نظریه سیمن در خصوص بیگانگی نیز استفاده شده است که این واژه مربوط به

-
1. Normlessness
 2. Social Isolation
 3. Estrangement

پارادایم تضاد در جامعه‌شناسی است. با وجود تفاوت‌های متدولوژیک و معرفت‌شناختی در این دو پارادایم، از سه نظریه به عنوان چارچوب نظری بر حسب معیارهای لازم در انتخاب چارچوب نظری در پژوهش صورت گرفته استفاده شده است و تلفیق به معنای اخص در جامعه‌شناسی صورت نگرفته است اما ملاحظات روش‌شناختی و معرفت‌شناختی تا حد لازم در جمع‌بندی سه نظریه فوق مورد توجه قرار گرفته است.

در دیدگاه کنترل اجتماعی، از نظر هیرشی، بزهکاری به عنوان مسأله اجتماعی باید به همان‌گونه که در اجتماع رخ می‌دهد - یعنی در همه عرصه‌هایی که افراد به نوعی در آن‌ها عضویت دارند- بررسی شود. افراد از لحاظ درجه قبول ارزشها و هنجارهای جامعه متفاوت هستند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد به نظام اجتماعی بستگی دارد. بنابراین فردی که از قیود اجتماعی آزاد بوده و نسبت به قید و بندهای اجتماعی کم اعتنا است، مسلماً دست به رفتارهایی چون تخریب و... می‌زند. به زعم وی، بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با جامعه است. اعتقادات فرد با پیوند فرد به والدین در خانواده آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به طور کلی هیرشی، چهار عنصر وابستگی، التزام، درگیر بودن و اعتقاد به ارزشهای جامعه را از قیود اجتماعی می‌داند که باعث پیوند ناگسستنی فرد با جامعه می‌شود. بنابراین در اثر کاهش نظارت و کنترل اجتماعی و به تبع آن کاهش یکپارچگی و تضعیف توانایی پیشگیری مؤثر از وندالیسم، گرایش و اقدام افراد به آن بیشتر می‌شود. در این پژوهش از مفهوم کنترل اجتماعی هیرشی (با در نظر گرفتن چهار عنصر آن) در تبیین مسأله پژوهش، استفاده شده است.

دیدگاه بعدی در این پژوهش، دیدگاه سیمن است که این دیدگاه در یک نگاه تلفیقی، هم عوامل فردی و هم عوامل اجتماعی را بر روی رفتار فرد تعیین کننده می‌داند، مسلماً قدرت تبیینی بیشتری می‌تواند داشته باشد و در کنار دیدگاه هیرشی، چون برخی اشتراکات را در متغیرهایی چون احساس عضویت در جامعه دارند، بنابراین این دو می‌توانند در یک مدل تلفیقی به تبیین مسأله بپردازند. افرادی که احساس عدم عضویت در جامعه و نهادهای آن بکنند، بی‌تردید نسبت به آن احساس بیگانگی می‌کنند.

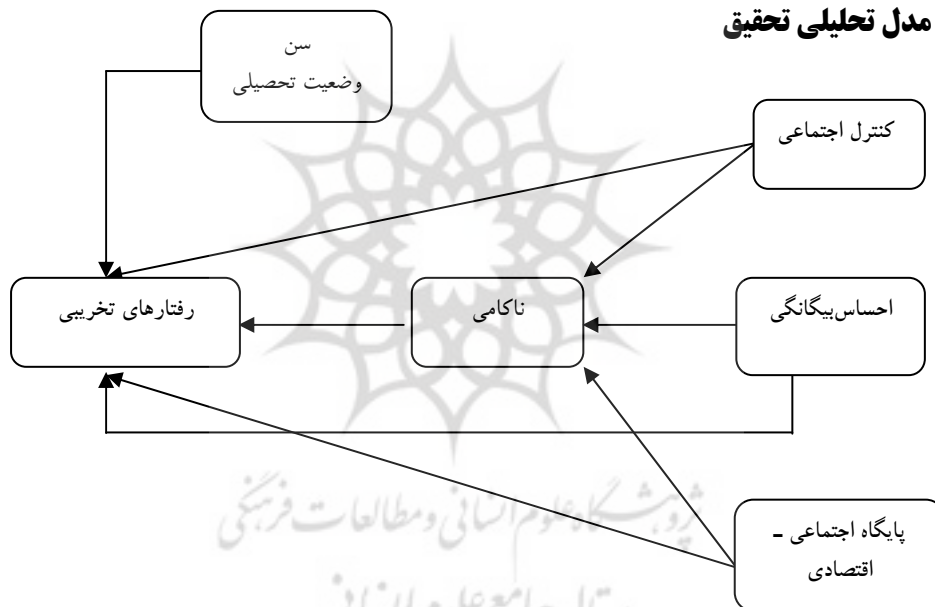
در مورد بهره جستن از نظریه آنومی مرتون که صورت باز شده یک نظریه کلان است،

بدین گونه عمل شده که شرایط محیطی و اجتماعی به عنوان وجود شرایط مطلوب در محیط مدرسه و خانواده در نظر گرفته می‌شود. در واقع شرایط مطلوب از سنخ تطابق اهداف و وسایل قلمداد می‌گردد که در نتیجه عدم تطابق و تناسب بین اهداف و وسایل، فرد دچار ناکامی می‌شود و فرد در چنین موقعیت‌هایی در اثر احساس ناکامی، به رفتارهای نابهنجار و بزهکارانه دست می‌زند. بنابراین در اینجا فرض می‌شود فرد در نهادهای جامعه از جمله مدرسه و خانواده به علت نرسیدن به اهداف پذیرفته شده ناکام شده و مرتکب رفتارهای بزهکارانه‌ای چون وندالیسم می‌شود. «وقتی میان امیال شدید ما و هدفهایمان سدهای ناشکستنی و ناگذشتنی حایل باشد، با ناکامی و تعارض مواجه می‌شویم» (مان، ۱۳۵۵: ۱۳۲ به نقل از ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۸). به عنوان مثال جوانی که در خانواده‌ای فقیر تولد یافته و سال‌ها مورد بی‌توجهی واقع شده، احتمالاً در بزرگی به ویرانگری و غارتگری اموال دیگران دست می‌زند و این امر برای او رضایت‌خاطری را فراهم می‌آورد که همواره در جستجوی آن بوده است. وقتی دانش‌آموزی خود را مخالف با نظام مدرسه می‌بیند و برچسب «خرابکار» می‌خورد و نمی‌تواند از طریق معیارهای پذیرفته شده به موفقیت برسد؛ به ناچار ناکام می‌شود. این ناکامی ممکن است با فرار از مدرسه، وندالیسم و انتقام‌گیری از معلمان و دیگر دانش‌آموزان همراه گردد (Bynum & William, 1999: 323 به نقل از ستوده، همان، ۱۳۹). با توجه به این توضیحات، استخراج مفهوم ناکامی از نظریه آنومی مرتون برای تبیین رفتار تخریبی دانش‌آموزان می‌تواند قابل استفاده باشد.

در تلفیق نظریه‌های فوق، این نکته را باید متذکر شد که نظریه آنومی مرتون و نظریه بیگانگی سیمن - که برگرفته از نظریه مارکس می‌باشد - در تفکیک رویکردی از دو دیدگاه توافق و تضاد منتج شده است و با تفاوت‌های موجود از حیث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، تلفیق را با مشکل مواجه می‌سازد. اما این نکته را باید در نظر داشت که این دو دیدگاه ذیل تبیین‌های کلان در جامعه‌شناسی تلقی می‌شوند و بر ساختارهای اجتماعی تأکید دارند. به عبارتی، به زعم ریتزر، ذیل پارادایم واقعیت‌های اجتماعی قرار دارند. وقتی که مارکس در تشریح مفهوم «از خود بیگانگی» در فراگرد تولید، به از خودبیگانگی انسان از خود و اجتماع همگنانش و از هستی نوعی‌اش اشاره می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۷-۸۶). چنین وضعیتی، چندان بی‌شبهت به وضعیتی که در آن، فرد نسبت به جامعه، خانواده و مدرسه تعلق ندارد

نیست. یعنی فردی که از قید و بندهای اجتماعی آزاد است. در چنین شرایط نامطلوبی، ناکامی و از خود بیگانگی، یا بی‌پوچی، تنفر و بیزاری بر فرد مستولی می‌شود و او ممکن است دست به رفتارهای وندالیستی زند. بنابراین با نگاهی به واقعیات متصور از دید نظریه‌پردازان در شناخت جامعه و پدیده‌های اجتماعی می‌توان وجوه اشتراکاتی را پیدا نمود که موجب می‌شود نظریات فوق در کنار هم مطرح شوند.

مدل تحلیلی تحقیق



فرضیات تحقیق

- فرضیه اول:** بین میزان کنترل اجتماعی در بین دانش‌آموزان شاغل به تحصیل و میزان رفتار تخریبی رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه دوم:** بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده دانش‌آموزان و رفتار تخریبی آنها رابطه معکوسی وجود دارد.
- فرضیه سوم:** بین احساس بیگانگی دانش‌آموزان در محیط و رفتار تخریبی آنها رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین احساس ناکامی دانش‌آموزان در محیط و رفتار تخریبی آنها رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین سن دانش‌آموزان و رفتار تخریبی آنها رابطه منفی وجود دارد.
فرضیه ششم: بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و رفتار تخریبی آنها رابطه معکوسی وجود دارد.

روش تحقیق

روش مطالعه، پیمایشی^۱ بوده و واحد مشاهده و تحلیل «فرد» می‌باشد. جمعیت آماری در تحقیق انجام شده شامل تمام دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی و متوسطه هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، در شهر تهران مشغول تحصیل بوده‌اند.

برای به دست آوردن حجم نمونه می‌توان از جدول حجم نمونه مقتضی استفاده کرد (دواس، ۱۳۸۴: ۷۹). با توجه به این جدول، با فرض خطای نمونه‌گیری قابل قبول در حد ۵٪ ($d = 0.05$) و پراکندگی ۵۰٪ به ۵۰٪، حجم نمونه ۴۰۰ به دست می‌آید. این حجم نمونه با کاربرد فرمول نمونه‌گیری کوکران نیز یعنی $n = Nt^2pq \div Nd^2 + t^2pq$ حاصل خواهد شد. در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق و وسعت مکانی شهر تهران، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. از مناطق ۱۹ گانه آموزشی تهران^۲، پنج منطقه به طور تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید، و سپس با احتساب فاصله انتخاب یعنی ۴، بعد از منطقه ۱، مناطق ۵، ۹، ۱۳ و ۱۷ به عنوان مناطق بعدی برای مطالعه انتخاب شد.

تعریف متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: جایگاهی که فرد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر، احراز می‌کند (کوئن، ۱۳۷۸: ۸۲). منزلت شغلی، تحصیلات و درآمد از خصوصیات اصلی پایگاه اجتماعی هستند (میلر، ۱۳۸۰: ۳۸۸). سنجش عملی پرستیژ شغلی والدین بر

1. survey

۲. بر خلاف شهرداری تهران، وزارت آموزش و پرورش، تهران را به ۱۹ منطقه آموزشی تقسیم‌بندی نموده است.

اساس طبقه‌بندی مشاغل در تحقیق هوشنگ ناییبی (۱۳۸۱) تحت عنوان «ساختار پرستیژ سغلی ایران» صورت گرفته است. مهمترین ملاک در این تقسیم‌بندی، اجماع عمومی توافق عمومی مردم بر سر سلسله مراتب شغلی و جایگاه‌های اجتماعی است. رتبه‌بندی اجتماعی مشاغل، بر اساس دو عامل تعیین‌کننده میزان تخصص و میزان اقتدار انجام شده است.

کنترل اجتماعی

تعریف مفهومی: فرایندی که بوسیله آن یک جامعه و یا هر گروه مشخصی از آن، بر رفتار اعضای خود تأثیر گذاشته و آن را در جهت ضوابط مشخصی، هدایت می‌کند (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۴۳۲). کنترل اجتماعی بر اساس دیدگاه هیرشی، با چهار بعد تعلق، التزام، مشغولیت و اعتقاد سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه در بحث نظری تعاریف نظری این ابعاد آمده است در اینجا فقط به شاخص‌های عملیاتی بسنده می‌شود. در سنجش عملی بعد تعلق، حساسیت و توجه فرد به عقاید خانواده، دوستان، مدرسه و نیز به کل جامعه با ۱۶ گویه سنجیده شده است. در سنجش التزام، دین‌افرد نسبت به داشته‌های آنها و اهمیت دیگران مهم در امور تحصیلی، شغلی و خانوادگی سنجیده شده است. در خصوص مشغولیت و درگیری: فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی، فعالیت‌های علمی-ورزشی و عضویت در نهادهای مذهبی در میان دانش‌آموزان سنجیده شده است. در سنجش عملی اعتقاد نیز، علاوه بر هنجارهای مربوط به مدرسه، چند گویه کلی در ارتباط با باورهای جامعه نیز مطرح شده است.

احساس بیگانگی

برای تعریف احساس بیگانگی از تعاریفی که سیمن در شاخص‌سازی بیگانگی ارائه کرده، استفاده می‌شود. او بیگانگی را با پنج معرف تعریف می‌کند. بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، از خودبیزاری و کناره‌گیری اجتماعی. همه این ابعاد در ۱۸ گویه سنجیده شده است. در سنجش عملی احساس بی‌قدرتی بیشتر از گویه‌های دلبرت میلر (۱۳۸۰) در خصوص توانایی فرد جهت کامیابی، توانایی ادامه تحصیل و رسیدن به اهداف زندگی استفاده شده است. انزوای اجتماعی با چهار گویه در خصوص برخی ارتباطات فرد با دوستان و معلمان سنجیده شده است. احساس بی‌هنجاری و بی‌معنایی با پنج گویه و احساس از خودبیزاری نیز با سه گویه در خصوص انگیزه فرد در زندگی، تلاش برای تغییر سرنوشت و موفق دانستن خود سنجیده شده است.

متغیر مداخله‌گر

ناکامی

تعریف مفهومی: احساسی که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد آن را مطلوب می‌شمارد پدید می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). در پژوهش انجام شده، ناکامی با ۸ گویه در خصوص محیط مدرسه و وضعیت تحصیلی و خانواده سنجیده شده است.

متغیر وابسته

وندالیسم: کلیه رفتارهای بزهکارانه‌ای که به منظور تخریب آگاهانه و ارادی اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می‌گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲). برای سنجش عملی وندالیسم از ۱۶ گویه زیر در طیفی با گزینه‌های هیچ وقت، به ندرت، گاهی، بیشتر وقت‌ها و به طور مداوم استفاده شده است.

هدر دادن وسایل آموزشی از جمله گچ، پاک‌کن، ماژیک و ... / باز گذاشتن عمدی شیر آب / هدر دادن عمدی صابون یا مایع دستشویی / پاره کردن مجلات و کتابهای کتابخانه / صدمه رساندن به صندلی سرویسهای مدرسه یا اتوبوسهای عمومی / صدمه رساندن به کیوسک یا تلفن عمومی / نوشتن مطلب در مجلات و کتابهای کتابخانه / خط کشیدن روی میز و صندلی و دیوارها یا کندن گچ دیوارها / نوشتن یادگاری روی تنه درختان و کندن بوته‌ها در مدرسه / صدمه وارد کردن به درب کلاس‌ها / شکستن آئینه سرویس‌های بهداشتی / شکستن شیشه‌های در و پنجره مدارس / سنگ پراکنیهای بی‌هدف که گاهی باعث رسیدن خسارت به تابلوها و دیگر اموال می‌شود / خراب کردن باغچه و فضای سبز نزدیک مدرسه / برداشتن وسایل کمک آموزشی به قصد ناقص کردن / پاره کردن برگه‌ها یا اطلاعیه‌های موجود در تابلو اعلانات.

اعتبار^۱ و پایایی^۲

برای بررسی اعتبار مقیاس‌های تحقیق، از اعتبار صوری یعنی میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار استفاده شده است. پس از تحلیل اعتبار صوری، اعتبار هر یک از گویه‌ها، به وسیله تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. در بررسی اعتبار گویه‌های مربوط به هر

-
1. Validity
 2. reliability

یک از متغیرها، تنها گویه‌هایی معتبر شناخته شده‌اند که بار عاملی آنها معنی‌دار باشد. با توجه به حجم نمونه مورد بررسی، بار عاملی ۰,۳ ملاک معقول و مناسبی است. به عبارت دیگر بارهای ۰,۳ و بیشتر از آن، معنی‌دار تلقی شده‌اند (کلاچین، ۱۳۸۰: ۷۲). برای سنجش پایایی داده‌ها از روش توافق درونی^۱ استفاده شده که مهمترین شاخص آن ضریب آلفای کرونباخ^۲ است.

جدول ۱. ضرائب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

نام مقیاس	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ (آزمون اصلی)
کنترل اجتماعی	۳۹	۰/۸۰
احساس بیگانگی	۱۸	۰/۷۲
ناکامی	۹	۰/۷۸
تخریب اموال عمومی (وندالیسم)	۱۶	۰/۹۳
حجم نمونه	۴۰۷	

یافته‌های توصیفی

در این تحقیق افراد نمونه در سن بین ۱۲ تا ۱۹ سالگی قرار دارند که کمتر از ۴۵ درصد آنها را افراد ۱۲ تا ۱۴ ساله تشکیل می‌دهند و حدود نیمی از پاسخگویان ۱۵ تا ۱۷ ساله می‌باشند و تنها درصد کمی (۳,۹ درصد) سن خود را ۱۸ و ۱۹ ساله اظهار داشته‌اند. به طور کلی میانگین معدل افراد نمونه ۱۷,۴۷ بدست آمده است.

شاخص کنترل اجتماعی

جدول ۲. شاخص کنترل اجتماعی

میزان شاخص	فراوانی	درصد	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار
خیلی قوی	۱	۰,۲	۳,۱۸	۰,۶۳
قوی	۱۱۷	۲۸,۷		
متوسط	۲۴۹	۶۱,۲		
ضعیف	۳۵	۸,۶		
خیلی ضعیف	۵	۱,۲		
کل	۴۰۷	۱۰۰,۰		

1. internal consistency
2. Cronbach's alpha Coefficient

یافته‌های جدول شاخص کنترل اجتماعی که از ترکیب چهار بعد آن تشکیل شده است، نشان می‌دهد کنترل اجتماعی در بین ۲۸,۹ درصد دانش‌آموزان در حد قوی می‌باشد، یعنی در بین این نسبت از افراد نمونه، احساس تعلق، التزام و اعتقاد بیشتری وجود دارد و در امور مختلف مشارکت داشته و درگیر هستند. این میزان در بین اکثر دانش‌آموزان (۶۱,۲ درصد) در حد متوسط و در بین ۹,۸ درصد آنها در حد ضعیفی بوده است.

شاخص احساس بیگانگی

جدول ۳. شاخص احساس بیگانگی

میزان شاخص	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
خیلی زیاد	۰	۰	۱,۹	۰,۶۳
زیاد	۳	۰,۷		
متوسط	۵۶	۱۳,۸		
کم	۲۴۹	۶۱,۲		
خیلی کم	۹۹	۲۴,۳		
کل	۴۰۷	۱۰۰		

شاخص احساس بیگانگی در جدول فوق نمایانگر این است که اکثر دانش‌آموزان (۸۵,۵ درصد) در حد کم و خیلی کمی احساس بیگانگی می‌کنند. این نسبت در بین ۱۳,۸ درصد در حد متوسط و در بین ۰,۷ درصد در حد بالایی بوده است. به عبارت دیگر، میانگین این شاخص برابر با ۱,۹ به این معناست که احساساتی چون بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و بی‌زاری در بین اکثر دانش‌آموزان در حد کمی نمود دارد.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی^۱

جدول ۴. شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده

میزان شاخص	فراوانی	درصد نسبی
خیلی پایین	۱	۰,۲
پایین	۱۳	۳,۲
متوسط	۱۹۴	۴۷,۷
بالا	۱۸۷	۴۵,۹
خیلی بالا	۱۲	۲,۹
کل	۴۰۷	۱۰۰,۰

بر طبق داده‌های مندرج در جدول فوق، اکثر افراد نمونه پرستیز شغلی خانواده خود را در سطح متوسط (۴۷,۷ درصد) و بالا (۴۵,۹ درصد) اعلام کرده‌اند. این در حالی است که ۳,۴ درصد پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده خود را در سطح پایین و ۲,۹ درصد در سطح بسیار بالا اعلام کرده‌اند.

ناکامی

جدول ۵. شاخص ناکامی

میزان شاخص	فراوانی	درصد نسبی
خیلی پایین	۱۴۲	۳۵,۱
پایین	۱۵۴	۳۷,۶
متوسط	۹۲	۲۲,۶
بالا	۱۷	۴,۲
خیلی بالا	۲	۰,۵
میانگین	۱,۹۷	

شاخص کلی ناکامی نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به میزان کم و خیلی کمی فکر می‌کنند در دستیابی به آرزوهای خود ناکام شده‌اند. مقدار میانگین ناکامی که برابر با ۱,۹۷ می‌باشد، این نتیجه را تأیید می‌کند.

۱. با توجه به اینکه نزدیک به ۲۵ درصد دانش‌آموزان، از درآمد خانواده خود اطلاعی نداشتند، درآمد به عنوان یکی از ابعاد پایگاه، در ساختن شاخص پایگاه حذف شد.

وندالیسم

جدول ۶. شاخص وندالیسم

میزان شاخص	فراوانی	درصد نسبی
هیچ وقت	۱۴۲	۶۶,۱
بندرت	۱۵۴	۱۸,۲
گاهی	۹۲	۲۲,۶
بیشتر اوقات	۱۷	۴,۲
به طور مداوم	۲	۰,۵
میانگین (۴-۰)	۱,۶	

شاخص کلی وندالیسم نشان می‌دهد که ۷,۱ درصد دانش‌آموزان تخریب‌گر، ۸,۶ درصد تاحدی تخریب‌گر هستند و ۱۸,۲ درصد بندرت رفتارهای تخریبی را از خود نشان می‌دهند. ۶۶,۱ درصد هیچ وقت دست به تخریب نمی‌زنند. میانگین شاخص وندالیسم برابر با ۱,۶ می‌باشد که تخریب‌گر بودن دانش‌آموزان را به میزان پایینی نشان می‌دهد.

یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول: بر طبق یافته‌های تحلیلی، ضریب همبستگی پیرسون بین کنترل اجتماعی با رفتار تخریبی دانش‌آموزان حدود ۰,۳۹- بدست آمده که با احتمال خطای ۰,۰۱ معنی‌دار شده است. بنابراین فرضیه اول از لحاظ آماری تأیید شد، یعنی می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان قضاوت کرد که هرچه میزان کنترل اجتماعی در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، میزان اقدام به رفتار تخریبی کمتر می‌شود.

فرضیه دوم: یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده دانش‌آموزان با رفتار تخریبی ۰,۰۷- بدست آمده است. این رابطه بسیار ضعیف، به لحاظ آماری معنی‌دار نشده است.

فرضیه سوم: همبستگی بین احساس بیگانگی دانش‌آموزان با رفتار تخریبی آنها ۰,۴۱ شده است که با احتمال خطای ۰,۰۱ معنی‌دار می‌باشد. بدین ترتیب، فرض رابطه مثبت بین احساس بیگانگی و اقدام به رفتار تخریبی اثبات می‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به احتمال خطای

بدست آمده، می‌توان حکم کرد که هر چه دانش‌آموزان احساس بیگانگی بیشتری کنند، میزان گرایش آنها به تخریب و اقدام به تخریب اموال عمومی بیشتر می‌شود.

فرضیه چهارم: رابطه بین ناکامی دانش‌آموزان و رفتار تخریبی $0,28$ بدست آمده است. بنابراین فرض رابطه بین ناکامی دانش‌آموزان و رفتار تخریبی تأیید می‌شود. بر همین اساس، می‌توان با 99 درصد اطمینان داوری کرد که هر چه میزان ناکامی بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، رفتارهای تخریبی بین آنها بیشتر می‌شود.

فرضیه پنجم: همبستگی بین سن دانش‌آموزان و رفتار تخریبی $-0,03$ بدست آمده است. بنابراین فرض وجود رابطه بین سن نوجوانان و گرایش آنها به تخریب و رفتار تخریبی رد می‌شود.

فرضیه ششم: رابطه‌ای بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و رفتار تخریبی وجود ندارد، بدین ترتیب فرض وجود رابطه بین وضعیت تحصیلی با گرایش و اقدام به رفتار تخریبی رد می‌شود. اما با بررسی رابطه بین این متغیرها به تفکیک مقطع تحصیلی، ضریب همبستگی با احتمال $0,05$ معنی‌دار شد با این تفاوت که این رابطه در مقطع راهنمایی $-0,27$ و در مقطع متوسطه $0,08$ بدست آمده است.

تبیین رگرسیون چند متغیره رفتارهای تخریبی

جدول ۷. تحلیل رگرسیونی

Model Summary			ANOVA		Coefficients		مدل
Adjusted R Square	R Square	R	sig	F	sig	Beta	
0,24	0,25	0,50	0,00	44,93	0,000	-0,30	کنترل اجتماعی
					0,000	0,31	احساس بیگانگی
					0,003	-0,16	سن

در مدل رگرسیونی، متغیرهای تحقیق به طور همزمان وارد رگرسیون شدند که از بین آنها سه متغیر تأثیرگذار بر رفتارهای تخریبی یعنی کنترل اجتماعی، احساس بیگانگی و سن در مدل مانده و به مقدار 25 درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. مابقی واریانس متغیر وابسته مربوط به متغیرهای دیگری است. این میزان واریانس تبیین شده در تحقیقات اجتماعی گر چه

زیاد نباشد اما در بررسی پدیده‌های اجتماعی قابل توجه است. با توجه به ضرائب بتا، احساس بیگانگی با ضریب ۰,۳۱ بیشترین تأثیر را بر روی رفتارهای تخریبی دارد، بدین معنی که به ازای یک واحد تغییر در متغیر بیگانگی، ۳۱ درصد تغییر در رفتارهای تخریبی افراد قابل برآورد است، با این تفسیر که هر چه افراد در محیطی بیشتر احساس بیگانگی کنند، به همان میزان افراد دست به تخریب می‌زنند. کنترل اجتماعی و سن به ترتیب ۳۰ و ۱۶ درصد تأثیر منفی دارند. بر اساس این مدل می‌توان گفت که هر چه دانش‌آموزان نسبت به خانواده، دوستان، مدرسه و جامعه، تعلق کمتری داشته باشند و التزام و اعتقاد آنها نسبت به قواعد و مقررات کمتر باشد، و همینطور آنها احساس انزوا و بی‌معنایی و تنفر کنند و شاهد بی‌هنجاری در محیط اجتماعی باشند، در بین این قشر از دانش‌آموزان رفتارهای تخریبی بیشتر دیده می‌شود، بویژه هر چه این تعداد در سنین پایین‌تری باشند، میزان ارتکاب آنها به رفتارهای تخریبی افزایش می‌یابد.

تبیین رفتارهای تخریبی از طریق ابعاد متغیرهای اصلی

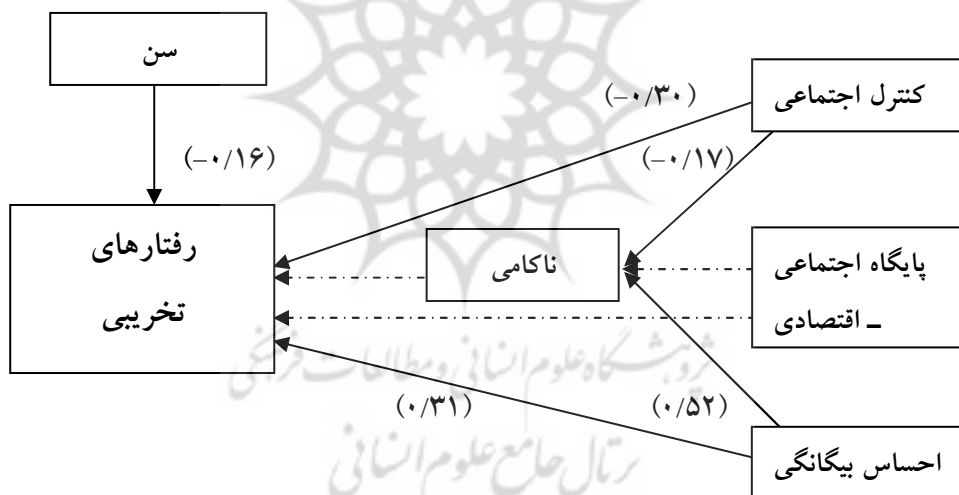
جدول ۸. تحلیل رگرسیونی

Model Summary		ANOVA			Coefficients		مدل
Adjusted R Square	R Square	R	sig	F	sig	Beta	
۰,۱۵	۰,۱۶۵	۰,۴۱	۰,۰۰	۱۴,۸۰	۰,۰۰۰	-۰,۲۲	اعتقاد
					۰,۰۰۰	۰,۲۱	بی‌هنجاری
					۰,۰۰۵	۰,۱۰	بی‌معنایی
					۰,۰۰۳	-۰,۱۵	سن
					۰,۰۰۵	-۰,۰۹	پایگاه اجتماعی - اقتصادی

علاوه بر تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای اصلی، عملیات رگرسیونی برای ابعاد هر یک از متغیرهای فوق نیز صورت گرفت که از بین ابعاد کنترل اجتماعی، اعتقاد به میزان ۲۲ درصد و از بین ابعاد بیگانگی، بی‌هنجاری و بی‌معنایی به ترتیب به میزان ۲۱ و ۱۰ درصد بر متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. جالب توجه است در معادلات فوق، پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تأثیر

۹ درصدی، در مدل باقی مانده است. تمام متغیرها در جدول فوق، به میزان ۰,۱۶۵ توانسته‌اند واریانس رفتارهای تخریبی را تبیین کنند. بر همین اساس می‌توان استنتاج کرد که اعتقاد دانش‌آموزان به قوانین و مقررات جامعه و مدرسه، بیشترین تأثیر را در کنترل رفتارهای تخریبی آنان دارد. احساس عدم قواعد و مقررات و بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی از دیگر عواملی هستند که باعث می‌شود دانش‌آموزان به چنین رفتارهایی دست زنند. این قبیل رفتارها در اواسط و اواخر سنین نوجوانی تشدید پیدا می‌کند.

تحلیل مسیر



همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌گردد، از بین متغیرهای اصلی پژوهش، احساس بیگانگی و کنترل اجتماعی به ترتیب با ضرایب ۰,۵۲ و ۰,۱۷- بر ناکامی اثرگذار هستند که احساس بیگانگی بیشترین تأثیر را بر ناکامی دارد. این متغیرها، در کل ۳۷ درصد از ناکامی را توانسته‌اند، تبیین کنند. بنابراین آنجا دانش‌آموزان احساس بیگانگی بیشتری می‌کنند، که قید و بندهای اجتماعی، یعنی تعلق، التزام و اعتقاد در بین آنها کم باشد، دانش‌آموزان در این شرایط، برخی از اهداف خود را محقق نیافته می‌بینند و در نتیجه ناکام می‌شوند.

متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای تخریبی به ترتیب، احساس بیگانگی با اثر مستقیم ۰,۳۱، کنترل اجتماعی ۰,۳۰- و سن ۰,۱۶- می‌باشد. با توجه به اینکه ناکامی همزمان با متغیرهای

مستقل اثر مستقیمی بر رفتارهای تخریبی ندارد، بنابراین متغیرهای مستقل معنی‌دار در مدل نیز بواسطه ناکامی اثر غیرمستقیمی بر وندالیسم ندارند. بر همین اساس، با توجه به یافته‌های تجربی و مقیاس‌های ساخته شده، فرض تأثیر غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وندالیسم بواسطه ناکامی مورد تأیید تجربی قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای تخریبی در بین دانش‌آموزان با تاسی از نظریه‌های کنترل اجتماعی، نظریه آنومی مرتون و نظریه بیگانگی ملوین سیمن بوده است. نتایج این بررسی نشان داد که میزان کنترل اجتماعی در بین دانش‌آموزان در حد متوسط و قوی، احساس بیگانگی و میزان ناکامی در حد کم و خیلی کم بوده است. ۱۵,۷ درصد دانش‌آموزان تخریب‌گر و تاحدی تخریب‌گر بودند. یافته‌های تحلیلی گویای آن است که همبستگی بین کنترل اجتماعی، احساس بیگانگی و ناکامی با رفتارهای تخریبی معنی‌دار شد که این یافته‌ها با تحقیقات پیشین نیز همخوانی دارد. بر این اساس می‌توان گفت که هر چه کنترل اجتماعی در بین کنشگران محصل ضعیف باشد، رفتارهای تخریبی نیز بیشتر در بین آنها دیده می‌شود. به عبارتی، هر چه میزان تعلق و پیوستگی دانش‌آموزان به نهادهایی همچون خانواده، مدرسه و جامعه کمتر باشد، التزام آنها نسبت به والدین و مدرسه کمتر باشد و در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و ورزشی کمتر مشارکت داشته باشند، حرکت آنها به سمت رفتارهای تخریبی بیشتر محتمل است که این احتمال حدود ۳۰ درصد برآورد (مقدار بتای رگرسیونی) شده است. علاوه بر این، اعتقاد به هنجارهای مرسوم جامعه همچون رعایت قوانین و مقررات، رعایت ضوابط در مدرسه از دیگر عوامل مهم کنترلی است که ضعف آنها، می‌تواند تمایل و اقدام دانش‌آموزان را نسبت به وندالیسم بیشتر کند. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیونی، احساس بیگانگی، بیشترین تأثیر را به میزان ۳۱ درصد بر رفتارهای تخریبی دانش‌آموزان نسبت به دیگر متغیرها داشته است. لذا می‌توان گفت با وجود پیوندهای اجتماعی ضعیف که به ابزارهای کنترلی اشاره گردید، هر چه دانش‌آموزان نسبت به محیط مدرسه، جامعه و حتی زندگی خود احساس بیگانگی کنند، تمایل بیشتری دارند که مرتکب رفتارهای خرابکارانه شوند. وقتی که فرد به این باور برسد که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد

انتظار نبوده و وی را به اهدافی در امر تحصیل و زندگی رهنمون نکنند، بی‌تردید احساس بی‌قدرتی، تنفر و بی‌زاری به او دست داده و این روند گرایش او به تخریب و اقدام به آن را به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی اگر دانش‌آموزان در سنین پایین باشند (اثر منفی ۱۶ درصدی سن بر رفتارهای خرابکارانه) اقدام به تخریب در بین آنها دور از انتظار نیست. شایان ذکر است که بر اساس نتایج تحلیل مسیر، تأثیر غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وندالیسم با واسطه ناکامی معنی‌دار نمی‌باشد. این نکته را می‌توان به طور ضمنی از قرار گرفتن متغیر احساس بیگانگی در مدل استنتاج کرد چرا که ناکامی خود به تنهایی با وندالیسم همبستگی داشته است و با توجه به قرابت محتوایی آن با بیگانگی، اثر آن خنثی شده و در نقش واسطه‌ای مورد تأیید تجربی قرار نگرفت. اما متغیرهای احساس بیگانگی، کنترل اجتماعی و سن از بین متغیرهای پژوهش، سهم بیشتر و معنی‌داری در تبیین پدیده «وندالیسم» داشتند. علاوه بر این تبیین، یافته مهمی که در جامعه مورد مطالعه می‌توان متصور شد و در بین یافته‌ها مکنون می‌باشد وجود میزان بالای احساس بیگانگی افراد در اواخر دوره نوجوانی و اوایل دوره جوانی است و می‌توان استنباط کرد که اگر شرایط نامطلوبی (عدم تحقق امکانات موفقیت در آینده) دامنگیر این گروه، هم از طرف جامعه و هم از طرف نهادهای خانواده و مدرسه شود نشانه‌های احساس بیگانگی در بین ساختار جوان جمعیتی کشور دور از انتظار نیست و این رشد فزونی روند احساس بیگانگی ممکن است بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را موجب شود. با توجه به نتایج فوق‌الذکر، پیشنهاد می‌شود برای بررسی دقیق ابعاد پدیده «وندالیسم»، تحقیقات بعدی به صورت کیفی با سود جستن از روش‌های بحث گروهی و مصاحبه‌های عمیق با افراد وندال انجام شود تا بتوان با استدلال و استحکام نظری قوی و پایا، به تأثیر متغیرهای مستقلی از قبیل متغیرهای این مقاله، مهر تأییدی نهاد. پیشنهادهای پیشگیری از رفتارهای وندالیستی را نیز می‌توان در تحلیل تئوریک تشریح شده در فوق جست.

منابع فارسی

- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، انتشارات دانشگاه تهران.
- جمشیدی، احمد (۱۳۸۰) « بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر خرابکاری اموال عمومی بوسیله دانش آموزان شهر تهران»، شورای تحقیقات آموزش و پرورش شهر تهران.
- داوری عهد، محمود (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر تخریب اموال عمومی در بین دانش آموزان دختر و پسر شهرستان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رابرتسون، یان، (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات قدس رضوی
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.
- قائمی‌فر، حسین (۱۳۸۶)، بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصادی و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز
- کلاین، پل (۱۳۸)، راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه سید جلال صداسادات و اصغر مینایی، تهران، انتشارات سمت
- کوئن، بروس (۱۳۷۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی - رضافاضل، انتشارات سمت، تهران.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ نهم، تهران، انتشارات علمی.
- گلچین، مسعود، (۱۳۸۱) انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژهش‌ها: به سفارش مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۳)، وندالیسم، تهران، انتشارات آن.

- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *نحوه سنجش و انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، انتشارات نی.
- نایی، هوشنگ (۱۳۸۱)، *قشربندی اجتماعی بر حسب پرستیژ شغلی*، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

منابع لاتین

- Goldstein .(1996), *The psychology of Vandalism*: New york: plenum press.
- Horowitz, Tamar & Tobaly David (2003), *School Vandalism: individual and social context* ,Adolescence.
- Merton, Robert .(1968). *Social Theory and Social Structure*, New York: Free Press.
- Thawabieh, Ahmad Mahmoud & and Mohammed Ahmad Al-rofo (2010), *Vandalism at Boys Schools in Jordan*, Int J Edu Sci, 2(1): 41-46.
- Tygart, Clarence .(1988), *Public School Vandalism: Toward a Synthesis of Theories and Transition to Paradigm Analysis*, Adolescence; Academic Research Library. Pg 187.
- Travis Hirschi .(1973), *Procedural Rules and the Study of Deviant Behavior*, *Social Problems*, Vol. 21, No. 2 , pp. 159-173.
- Wissink, Inge B, Geert-Jan Stams, Jessica J. Asscher, Esther Rutten & Bonne J. H. Zijlstra.(2014). *Moral Orientation and Relationships in School and Adolescent Pro- and Antisocial Behaviors*, *The Journal of School Nursing* June 2014 vol. 30 no. 3216-225.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی